# ۹۵۰۳۰۱-۷۶۱

**شنبه – جلسۀ ۱۳۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به محصور از اعمال عمره و حج بود.

عرض کردیم محصور یعنی بیمار از ادامه اعمال بعد از محرم شدن. راجع به عمره مفرده بحث گذشت. و به نظر ما اگر اقوی نباشد لااقل مقتضای احتیاط این هست که تا عمره مفرده دیگری بجا نیاورده است این محصور، نساء بر او حرام است و با این خروج از احرام نساء بر او حلال نمی شود. این راجع به عمره مفرده هست.

البته اگر شرط الاحلال بکند یعنی در هنگام احرام بگوید ان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی وفاقا لجمع من الاعلام کالسید الزنجانی این متحلل می شود حتی از نساء طبق صحیحه بزنطی.

البته یک اشکالی ممکن است شما به ما بکنید؛ بگویید که چطور می شود که شرط الاحلال مستحب است و موجب می شود که به مجرد صد و حصر انسان از احرام خارج بشود و زن هم حلال بشود بر این شخص محصور بخاطر اشتراط احلال ولی پیامبر این کار را نکرد، امام حسین این کار را نکرد، می شود ملتزم بشویم یک مستحبی را پیامبر ترک کردند و به اصحاب شان هم نفرمودند این کار را بکنید، امام حسین هم ترک کردند؟ مخصوصا اگر دو واقعه بگیریم صحیحه رفاعه و صحیحه معاویة بن عمار را که در یک جا دارد که امام حسین علیه السلام خودشان شتر را نحر کردند و برگشتند مدینه حضرت علی فرمود افتحوا الباب پسرم حسین آمده و در یک واقعه دیگر خود امیرالمؤمنین رفتند سقیا و از احرام خارج کردند امام حسین را. آن وقت اگر دو واقعه باشد در هر دو واقعه امام حسین شرط الاحلال نکرد این مستحب را ترک کرد این چیز بعیدی است. پس نشان می دهد که با شرط الاحلال مشکل حل نمی شود.

جواب این است که لقائل ان یقول شرط الاحلال مستحب نیست؛ یک راه تسهیلی است برای مکلفین که به مجرد صد و حصر از احرام خارج بشوند. اما این که پیامبر به اصحاب این راه تسهیل را یاد نداد شاید در آن زمان که سال ششم هجرت بوده، تشریع نشده بود این شرط الاحلال. ولی خود پیامبر و امام حسین علیه السلام شرط الاحلال نکرده بودند شاید جهتش این بوده که مستحب نیست؛ یک نوع راه آسان شدن است. مثل این که در اعتکاف شرط الاحلال، شرط می کند معتکف که خدایا! اگر من مشکلی برایم پیدا شد اعتکافم را رها می کنم. معلوم نیست مستحب باشد. یک راهی است برای این که روز سوم اگر یک وقت حاج خانم زنگ زد گفت سریع بیا که پدر و مادرم دارند از راه می رسند، این مشکل خانوادگی پیدا نکند. از اول شرط کرده با خدا، خدایا! بالاخره ما داریم می گوییم که اگر در حال اعتکاف که روز سوم واجب می شود ادامه اعتکاف، مشکلی پیدا کردم، من را آزاد بکنی و رها بکنی از قید اعتکاف. معلوم نیست مستحب نفسی باشد؛ شرطی است برای آسان شدن کار. امام حسین استفاده نکردند از این امر تسهیلی. به مردم گفتند که این طور بگو.

[سؤال: ... جواب:] به قول ایشان چطور در نذر، بعضی از آقایان مطرح می کنند که نذر کردن برای مردم مکروه است، چرا چیزی را که خدا بر شما واجب نکرده است بر خودتان الزام می کنید؟ و لکن اهل بیت نذر می کردند، یوفون بالنذر و یخافون یوما کان شره مستطیرا. ... یک احتمال این است که وفاء به نذر چون سخت است مردم به کلفت می افتند به مردم گفتند خودتون را به زحمت نیندازید حتی مکروه هم هست خودتون را به زحمت بنیدازید. ولی ائمه چون مسائل نذر را می دانند، کلفت وفاء به نذر برای ائمه مهم نیست. برای آن ها مکروه نیست نذر. اینجا هم بر عکس او بگوییم مستحب نیست این کار بر ائمه که شرط التحلل بکنند. مستحب نبود. چون مردم ایمان شان قوی نیست، یک وقت از دین زده می شوند بگذار شرط التحلل بکنند از احرام خارج بشوند مطلقا حتی از حیث حرمة النساء. ولی ائمه تحمل این مشاکل را دارند. و لذا نمی شود گفت بر ائمه مستحب نفسی بوده شرط الاحلال.

مورد دوم برای محصور، محصور از عمره تمتع است. محصور از عمره تمتع آقای خوئی فرموده است که مثل محصور از عمره مفرده نیست که مخیر است بین فرستادن قربانی به مکه و یا ذبح قربانی در مکان حصر. این از مختصات عمره مفرده بود به برکت قضیه امام حسین علیه السلام. اما در عمره تمتع اطلاقات می گوید المحصور یبعث بهدیه.

این از یک جهت.

از جهت دیگر ایشان می فرماید مشهور گفتند در عمره تمتع هم نساء حلال نمی شود، با تحلل نساء حرمتش می ماند، مگر این که یک حج یا عمره دیگری بجا بیاورد.

[سؤال: ... جواب:] محصور از عمره تمتع مشهور گفتند لایحل له النساء بعد خروجه عن الاحرام حتی یاتی بحج او عمرة اخری.

مرحوم آقای خوئی فرموده که ما انقلاب نسبت درست کردیم. گفتیم سه طائفه داریم. یک طائفه می گوید المحصور لاتحل له النساء. صحیحه بزنطی می گوید المحصور تحل له النساء. صحیحه معاویة بن عمار در قضیه امام حسین در عمره مفرده گفت لم تحل له النساء. این قضیه امام حسین می شود موجب انقلاب نسبت در خصوص عمره مفرده می آید تقیید می زند صحیحه بزنطی را. صحیحه بزنطی می گفت المحصور تحل له النساء، رجل انکسرت ساقه قال حلال من کل شیء قلت من النساء و الثیاب و الطیب؟ قال نعم. تخصیص می خورد به غیر عمره مفرده. آن وقت این صحیحه بزنطی راجع به حج و عمره تمتع اطلاقش می گوید تحل له النساء، آن صحیحه دیگر معاویة بن عمار که مطلقا المحصور لاتحل له النساء را تخصیص می زند، حمل می کند بر عمره مفرده. انقلاب نسبت این است. خطاب سوم که می گوید در عمره مفرده نساء حلال نمی شود بر محصور، صحیحه بزنطی را که مطلقا می گفت نساء حلال می شود تخصیص می زند به غیر عمره مفرده. صحیحه بزنطی در غیر عمره مفرده می گوید نساء حلال می شود بر محصور. تخصیص می زند صحیحه معاویة بن عمار را که می گوید المحصور لاتحل له النساء. حمل می کنیم این صحیحه را بر المحصور فی العمرة‌المفردة.

بعد مرحوم آقای خوئی فرمودند که اجماعی هم که ادعا کردند بر این که بر محصور نساء حلال نمی شود این ثابت نیست. و این اجماع را هم نمی پذیرند. و لذا فتوی می دهند که محصور در عمره تمتع نساء بر او حلال می شود.

مرحوم شهید در دروس یک استدلالی کرده خیلی به یک معنا جالب. فرموده که آقا! عمره تمتع که نساء بدون طواف نساء هم حلال می شود. در عمره تمتع طواف نساء نداریم. تقصیر بکن نساء هم حلال می شود. پس چه نیازی است که ما در محصور از عمره تمتع بگوییم نساء بر تو حلال نمی شود مگر این که اتیان کنید به یک طوافی.

کاشف اللثام گفته و هو حسن.

واقعا عرض کردم عجیب است این مطلب. چون ما دلیلی نداریم که بقاء حرمت نساء‌بر محصور بخاطر این است که طواف نساء نکرده بعد بگوییم عمره تمتع که طواف نساء ندارد. محرم به عمره تمتع، با احرامش نساء بر این شخص حرام می شود. طواف نساء ندارد، این چه اهمیتی دارد؟ مهم این است که من احرم لعمرة التمتع حرم علیه النساء. منتها با طواف و سعی عمره و تقصیر حلال می شود بر او نساء. اما این محصور که این کارها را نکرده. در هیچ روایتی هم نداریم که بقاء حرمت نساء بر محصور بخاطر این که طواف نساء نکرده. این را شما از کجا کشف کردید؟

[سؤال: ... جواب:] ما چه می دانیم. شارع در محصور فرموده که اذا تحلل حل له کل شیء الا النساء.

بعد کاشف اللثام خودش به صحیحه بزنطی استدلال می کند که محصور در عمره تمتع نساء بر او حلال می شود.

مرحوم فاضل نراقی و صاحب جواهر حمله می کنند به کاشف اللثام. می گویند آقای کاشف اللثام مرحوم فاضل هندی این چه مطلبی است که شما فرمودید؟ این صحیحه بزنطی به قول فاضل نراقی تعبیر می کند شاذة، مخالفة للاجماع، موافقة لبعض العامة. حمل می کنیم بر تقیه. بعد گفتند که آقای فاضل هندی! صاحب کاشف اللثام! شما این صحیحه بزنطی را حمل می کنید بر خصوص عمره تمتع؟ چون می گویید اجماع داریم که در حج و در عمره مفرده نساء حلال نمی شود بر محصور، پس مراد از صحیحه بزنطی خصوص عمره تمتع است. این حمل بر فرد نادر نیست؟ این حمل بر فرد نادر است. علاوه بر این که جمع تبرعی است. صحیحه بزنطی می گوید محصور نساء‌بر او حلال می شود؛ صحیحه معاویة بن عمار می گوید نساء بر محصور حلال نمی شود؛ جمع تبرعی می کنید؟‌حمل می کنید صحیحه بزنطی را بر محصور در عمره تمتع؟ این چه مطلب نادرستی است؟

مرحوم آقای خوئی فرموده به نظر ما کاشف اللثام مطلب درستی می گوید. بله، استدلال به آن مطلب عقلی که دروس گفت، ایشان هم گفت و هو حسن نه؛ آن استدلال را ما نمی پذیریم. که گفت عمره تمتع که طواف نساء ندارد پس چرا نساء حرام بشود بر محصور در عمره تمتع. این استدلال درست نیست. ولی استدلال به صحیحه بزنطی کاملا درست است. صحیحه بزنطی با صحیحه معاویة بن عمار که می گوید المحصور لاتحل له النساء نسبت شان تباین است. آن صحیحه ای که در قضیه امام حسین وارد شده موجب انقلاب نسبت می شود که در خصوص عمره مفرده فرمود لاتحل له النساء.

این هم که می گویید صحیحه بزنطی خلاف اجماع است، موافق عامه است، خب اطلاقش خلاف اجماع است. اطلاقش موافق عامه است. از اطلاقش رفع ید کنید. چرا اصلش را طرح می کنید؟

بعد فرموده است که و لذا ما طبق این انقلاب نسبت، صحیحه بزنطی را حمل می کنیم بر عمره تمتع؛ صحیحه معاویة بن عمار را که می گوید المحصور لاتحل له النساء حمل می کنیم بر عمره مفرده.

می ماند حج. راجع به حج هم ایشان حرف نهایی را گفته. گفته بستگی دارد به این اجماع صاحب جواهر. خب فاضل نراقی هم این ادعای اجماع را کرده. اگر اجماع این ها تمام باشد که محصور در حج مثل محصور در عمره مفرده لاتحل له النساء ما صحیحه بزنطی را در عمره تمتع اخذ می کنیم می گویید تحل له النساء. اگر اجماع صاحب جواهر تمام نشد حج را هم ملحق می کنیم به عمره تمتع و به اطلاق صحیحه بزنطی تمسک می کنیم می گوییم تحل له النساء. فقط می ماند مورد صحیحه معاویة بن عمار، المحصور تحل له النساء، موردش فقط می ماند عمره مفرده. حالا چون بحث اجماع صاحب جواهر مطرح شده ما فتوی نمی دهیم، می گوییم الاحوط فی الحج بقاء حرمة‌النساء علی المحصور.

این محصل فرمایش آقای خوئی است.

اشکال به مرحوم آقای خوئی که مرحوم استاد هم پذیرفتند مطالب ایشان، را فقط اشکال شان و اختلاف شان با ‌آقای خوئی سر عمره مفرده ای بود که بعث بهدیه الی مکة که دیروز درسی بحثش را مطرح کردیم. اما راجع به عمره تمتع و حج نظر مرحوم استاد مثل نظر مرحوم آقای خوئی است. می گوییم آقا! اولا عرض کردیم صحیحه بزنطی قدرمتیقنش فرض شرط الاحلال است. أما بلغک قول ابی عبدالله حلنی حیث حبستنی لقدرک الذی قدرت علی. این شرط الاحلال است. و بیش از شرط الاحلال صحیحه بزنطی ظهور ندارد.

ثانیا: آقا! شما واقعا دل تان می آید بگویید صحیحه بزنطی موردش عمره تمتع است؟ این فرد نادر نیست؟ در این اقسام مناسک حج و عمره، عمره مفرده داریم، حج افراد داریم، حج قران داریم، خود حج تمتع بعد از عمره تمتع داریم، این ها همه را خارج می کنید از صحیحه بزنطی، یخرجون من صحیحة البزنطی افواجا. فوج فوج خارج می کنید. فقط می ماند در صحیحه بزنطی عمره تمتع. این حمل بر فرد نادر نیست؟ انصافا حمل بر فرد نادر است. ببینید حمل بر فرد نادر که می گوییم یعنی حمل مستهجن که مولی یک مطلقی بگوید: المحصور تحل له النساء، بعد بگوییم مقصود آقا عمره تمتع بود.

[سؤال: ... جواب:] در مقام بیان نبود؟ مردم را بدبخت می کند می گوید حلال من کل شیء من النساء و الثیاب و الطیب؟ قال نعم. این در مقام بیان نبود؟ ... امام فرمود حل له کل شیء، راوی سؤال کرد من النساء و الثیاب و الطیب؟ قال نعم. ... چه انصرافی دارد به خصوص عمره تمتع صحیحه بزنطی؟ ... اتفاقا ارتکاز متشرعه تفصیل نمی دهد بین عمره تمتع و حج و عمره مفرده. عامه که معتقد بودند که نساء حلال می شود. خاصه هم که مشهور بین قدماء این است که در همه این مناسک ها که محصور می شود مکلف، نساء حرمتش باقی می ماند. چه ارتکازی هست بر تفصیل بین عمره تمتع و عمره مفرده و حج؟ ... مگر فرمایش فاضل نراقی را کسی بگوید که آقا! سائل گفت من النساء و الثیاب و الطیب، امام که تصریح نکرد به این تفصیلات، امام فرمود نعم. ولی انصافا این ها عرفی نیست. وقتی سائل تصریح می کند می گوید نساء و طیب و ثیاب همه حلال می شود؟ حضرت می فرماید نعم بعد بگوییم این قابل تقیید است، نعم الا من النساء، این عرفی است؟ یکی می گوید زید و عمرو و بکر را واجب است اکرام کنم؟ مولی بگوید بله. بعد بگوییم بله الا زید را. این عرفی است؟ قطعا عرفی نیست.

[سؤال: ... جواب:] این که ما بگوییم راوی عمره تمتع را یادش رفته ذکر کند این یعنی الغاء حجیت این خبر؛ این خبر نقص دارد. جمع عرفی دارید می کنید نه کشف از خلل در خبر. آقای خوئی جمع عرفی کرده، کشف از خلل در خبر نکرده. اگر کشف از خلل در خبر بکند که جمع عرفی نمی شود. همه چیز محتمل است. محتمل است اصلا یک مطلب دیگری را اشتباهی فهمیده.

و لذا به نظر ما عمده هم همین است که صحیحه بزنطی فرض اشتراط است. اطلاق المحصور لاتحل له النساء شامل محصور در عمره تمتع می شود.

قسم سوم هم که محصور در حج است حکمش روشن شد. مشخص شد مشهور چی می گویند. محصور در حج برای تحلل یبعث بهدیه، و دقت هم کنید! محصور در حج باید قربانی اش را بفرستد منی، در روز عید قربان از طرف او ذبح کنند طبق موثقه زرعة عن سماعة: رجل احصر فی الحج فلیبعث بهدیه ان کان مع اصحابه و محله منی یوم النحر اذا کان فی الحج. پس این مطلب مسلم است. اما مشهور می گویند نساء حرمتش باقی می ماند بر این محصور.

و لکن آقای خوئی طبق مبنای شان و همین طور مرحوم استاد فرمودند نخیر. انقلاب نسبت را پذیرفتن این فایده ها را دارد که مشکل در اینجا ها حل می شود. ما می گوییم ما انقلابی هم بشویم این مشکل حل نمی شود چون صحیحه بزنطی راجع به شرط الاحلال است و این مشکل باقی می ماند. و لذا الاحوط ان لم یکن اقوی این است که حرمت نساء می ماند بر این محصور کما علیه المشهور و منهم السید السیستانی.

امام قدس سره فرمودند یک وقت نگویید که ایشان سخت گیر است. نه؛ ما بین حج واجب و حج مستحب تفصیل می دهیم. ما نمی گوییم مطلقا محصور محل که شد تا یک حجی یا عمره ای بجا نیاورد حرمت نساء بر او می ماند. ما همچون چیزی نمی گوییم. ما این را در حج واجب می گوییم. حج واجب این طوری است. حج واجب اگر کسی برود محصور بشود حالا یا در حجش یا در عمره تمتعش، بله، این بعد که محصور شد، بیمار شد، تصادف کرد، بعد از این که در مسجد شجره محرم شد، حدود سی سال قبل، کاروانی از ایران که می رفتند همین حادثه برای شان پیش آمد، از بعثه امام هم بودند از بستگان ما هم بودند، این ها محرم شده بودند از مسجد شجره، پمب بنزین بعد از مسجد الشجرة یک ماشینی زده بود، عده ای فوت کردند عده ای هم مصدوم شدند، شدند محصور، محرم انکسرت ساقه می شود محصور، امام می فرمایند حج سال اول تان است یا حج سال اول تان نیست. حالا اگر حج سال اول تان هم باشد شما مستطیع بودید یا مستطیع نبودید؟ اگر حجة الاسلام تان بود، حج سال اول تان بوده و مستطیع بوده، بله، تا یک عمره و یک حجی بجا نیاورید نساء بر شما حلال نمی شود.

اما اگر نه، شما حج واجب تان نبوده یا حج سال اول تان نبوده یا اگر حج سال اول تان هم بوده مستطیع نبودید، نه؛ شما یک طواف نساء، فقط یک طواف نساء برای خودت هم سخت است نائب بگیر. نائبت از طرف شما طواف نساء بکند نساء بر شما حلال می شود.

دلیل ایشان چیه؟ دلیل ایشان ممکن است شهرت باشد؛ ممکن است مرسله مقنعه مفید باشد.

اما شهرت: در کشف اللثام ادعای شهرت می کند بر همین مطلب که مشهور تفصیل دادند بین حج واجب و حج مستحب. بعد نقل هم می کنند از کتب قدماء مثل شیخ در نهایة و مرحوم علامه، مرحوم صاحب مراسم، صاحب وسیله، صاحب اصباح الشیعة که این ها گفتند که بین حج واجب و حج مستحب تفصیل هست. حالا این شهرت که اعتبار ندارد مخصوصا در این مسئله اجتهادیه. اجماع نیست؛ شهرت است.

پس باید عمده دلیل ایشان مرسله مفید باشد. مرسله مفید از مرسلات جزمیه است. امام قدس سره روی مرسلات جزمیه قدماء مثل صدوق، شیخ مفید که می گویند قال، اعتبار قائل است. می گوید مگر مرسله شیخ صدوق که می گوید قال از مرسلات ابن ابی عمیر کمتر است؟ شیخ مفید می گوید قال. اسناد جزمی می دهد به امام علیه السلام. علمش کم بود؟‌نعوذ بالله ورعش کم بود؟ نمی دانست که چیزی را که نمی داند از امام صادر شده بطور جزم به او نسبت ندهد؟ این معلوم می شود شیخ مفید حجت داشته که امام این را فرموده. خبر داده از کلام امام حالا اگر بخواهیم تکمیل هم کنیم فرمایش مرحوم امام را بگوییم احتمال حس هم می دهیم اصالة الحس جاری می کنیم در خبر شیخ مفید از معصوم علیه السلام.

قال علیه السلام المحصور بالمرض ان کان ساق هدیا اقام علی احرامه حتی یبلغ الهدی محله ثم یحل و لایقرب النساء حتی یقضی المناسک من قابل، هذا اذا کان حجة الاسلام، این در حجة‌الاسلام است. یعنی آن فرمایش آقای خوئی که فقط در عمره تمتع نساء حرام می شود بر این محصور، در حج و عمره تمتع نساء حرام نیست، اگر این مرسله مفید درست بشود آن فرمایش ایشان خراب می شود. و مرحوم آقای خوئی در دراسات قائل بود به اعتبار مراسیل صدوق. و قطعا مراسیل مفید هم همان ملاک را دارد، در بحث لاضرر.

[سؤال: ... جواب:] قال علیه السلام. ظاهرش روایت است.

و بیانی هم مرحوم آقای خوئی در معجم دارد. فرموده اصالة الحس جاری می کنیم در نقل های مثل توثیق نجاشی، توثیق شیخ. که یک راوی دویست سال قبل را می گویند کان ثقة. آقای خوئی می فرماید احتمال می دهیم ثقة عن ثقة، کابر عن کابر. این خبر به شیخ طوسی و شیخ نجاشی رسیده که زراره کان ثقة. اصالة الحس جاری می کنیم. خب جناب آقای خوئی ! شیخ مفید هم گفت قال علیه السلام. اصالة الحس جاری کنید. احتمال نمی دهید ثقة عن ثقة به دست شیخ مفید رسیده این خبر؟

ادامه خبر: فاما حجة‌التطوع...

[سؤال: ... جواب:] شاید شیخ مفید بواسطة ثقة عن ثقة این کلام را از امام شنیده. اصالة الحس می گوید این خبر معتبر است. خود آقای خوئی در اول معجم اصالة الحس جاری کرد در نقل شیخ طوسی و شیخ نجاشی نسبت به وثاقت رواتی که دویست سال قبل از این ها بودند.

روایت ادامه اش این است: هذا اذا کان حجة‌الاسلام. فاما حجة‌التطوع فانه ینحر هدیه و قد احل مما کان احرم منه. این اطلاق دارد در مقابل آنی که می گفت ثم یحل و لایقرب النساء. اینجا می گوید و قد احل مما کان احرم منه. ادامه اش راجع به مصدود است: المصدود بالعدو ینحر هدیه و لیس علیه اجتناب النساء سواء کان حجته فریضة او سنة. این استدلال امام. در مقابل آقای زنجانی تعلیقه زدند بر مناسک امام، فرمودند بین حج واجب و حج مستحب نیست. نساء حرام است بر این حاجی. ما دل مان به حال این حاجی نمی سوزد. چه حج واجب چه حج مستحب. باید یا یک حج دیگری بجا بیاوری یا یک عمره دیگری. مگر حرجی بشود بر او رفتن به حج یا عمره. آن وقت با جواز استنابه مشکلش را حل می کنیم.

تامل بفرمایید ان شاء الله تا فردا.